
جستاری در رویکردهای ابن غضائری به توثیق رجال همراه با واکاوی مفهوم غلو در اندیشه رجالی او

مهدی ایزدی*

◀ چکیده:

ابن غضائری رجال‌شناس بزرگ قرن پنجم که معاصر با رجال‌شناسان بزرگی همچون نجاشی و شیخ طوسی بوده و علاوه بر هم‌درسی با ایشان در مجلس درس پدر، سمت استادی بر نجاشی را نیز داشته است، به واسطه تألیف کتاب *الضعفاء* و جرح برخی از رجال مشهور به وثاقت، غالباً نامش قرین با جرح ستابزده و به دور از انصاف شده است. منتقدان وی دیدگاه خاص وی در موضوع غلو را در اتهام راویان به غلو و جعل حدیث دخیل دانسته‌اند. این مقاله سعی دارد با واکاوی اندیشه ابن غضائری در موضوع غلو و تتبع در گزارش‌های مربوط به کتاب *الثقات و الممدوحین* وی، همچنین از رهگذر رجالی که از سوی ابن غضائری توثیق شده‌اند، افزون بر کشف ملاک‌های وی در توثیق، به تصحیح چنین نگاهی به او بپردازد.

◀ کلیدواژه‌ها: ابن غضائری، *الثقات و الممدوحین*، *الضعفاء* ابن غضائری، توثیقات ابن غضائری، غلو.

طرح مسئله

ابن غضائری از رجال‌شناسان بزرگ امامیه در قرن پنجم است. وی به دلیل نگارش کتابی که در آن برخی از روایان ثقه در اسانید احادیث را تضعیف کرده، داوری‌های گوناگونی را نسبت به خود برانگیخته است. برخی روش او را در تضعیف رجال نقد کرده، وی را به جرح شتابزده و بی‌رویه رجال مشهور به وثاقت، متهم کرده‌اند و اینکه کمتر ثقه‌ای است که از جرح او در امان مانده باشد. (نک: قمی، ۱۳۹۳ق، ج ۴، ص ۳۹۳، میرداماد، ۱۴۰۵ق، ص ۵۹؛ انصاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۷ و ج ۲، ص ۳۶۳؛ کلباسی، ۱۳۷۲ق، ج ۱، ص ۵۲؛ خواجه‌یوسفی، ۱۳۹۳ق، ص ۲۹۶) بر اساس برخی دیدگاه‌ها وی در جرح و تعدیل رجال، اعتقاد راوی درباره مراتب فضایل امامان (علیهم‌السلام) را در نظر می‌گرفته است. این امر سبب شده که وی در بسیاری از داوری‌های خود نسبت به رجال، از استناد به حسن خارج شده و بر اساس حدس داوری نماید. ایشان معتقدند ابن غضائری درباره امامان (علیهم‌السلام) قائل به حد خاصی از فضایل بوده است و تجاوز از آن حد را غلو محسوب می‌نموده است. لذا اگر از نوع روایات رجل در باب فضایل ایشان، اعتقاد راوی فراتر از حد مجاز در نظرش را احساس می‌نمود، وی را متهم به غلو و بر اساس آن راوی را جرح می‌کرد و در مقابل، اگر از نوع روایات راوی همسو بودنش را با خود احساس می‌نمود، وی را می‌ستود. (سبحانی، ۱۴۲۱ق، ص ۹۰) شایان ذکر است که در میان رجال‌شناسان متقدم امامی، تنها ابن غضائری کتاب مستقلی با عنوان *الثقات و الممدوحین* تألیف کرده است. (حلی، ۱۳۸۱ق، ص ۴۰۴؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۹۱ق، ج ۲۰، ص ۱۵) با توجه به قرین شدن نام ابن غضائری با کتاب *ضعفایش و نیز وجود چنین داوری‌هایی نسبت به او و کتابش و نیز وجود کتابی به نام الثقات و الممدوحین*، این مسائل مطرح می‌شود: اولاً تا چه میزان می‌توان به وجود این کتاب اطمینان حاصل کرد؟ ثانیاً با فرض وجود چنین کتابی تا چه میزان می‌توان نام ابن غضائری را قرین جرح و تضعیف دانست و او را به اوصافی چون طعان و جراح متصف نمود؟ ثالثاً از نوع توثیقات وی چگونه می‌توان ملاک‌های وی در تعدیل را احراز کرد؟ رابعاً با واکاوی مفهوم غلو در اندیشه رجالی او، توثیقات وی چگونه قابل تحلیل است؟

۱. وجه نوآوری

نوع پژوهش‌هایی که تاکنون درباره ابن غضائری و کتاب رجالش صورت پذیرفته، به طور عمده درباره صحت یا عدم صحت انتساب کتاب به وی و یا ارزیابی دیدگاه‌های موافقان و مخالفان در خصوص صحت تضعیفات وی بوده است. در این مقاله سعی شده از دریچه دیگری به شخصیت ابن غضائری و تحقیقات رجالی او نگریسته شود و آن عبارت است از بررسی کتاب *الثقات و الممدوحین* وی و تحلیل توثیقات وی نسبت به رجالی که مورد مدح یا توثیق وی واقع شده‌اند. یکی از نتایج مترتب بر چنین پژوهشی، اجتناب از یک‌جانبه‌نگری به شخصیت رجالی ابن غضائری و قرین نمودن نام او با جرح و تضعیف است.

۲. گذری کوتاه بر احوال ابن غضائری

احمد بن حسین بن عبیدالله بغدادی، مشهور به ابن غضائری است. پدر وی، حسین بن عبیدالله بن ابراهیم غضائری با کنیه ابوعبدالله در زمره مشایخ نجاشی و شیخ طوسی بوده است. شیخ طوسی، حسین بن عبیدالله (پدر ابن غضائری) را با عبارات «کثیر السماع» و «عارف بالرجال» ستوده است. (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۲۵) وی معاصر شیخ مفید بوده و در نیمه صفر سال ۴۱۱ق وفات یافته است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۱۱) احمد (فرزند او) نیز در سلک مشایخ حدیث و عالمان مطلع از آثار و تألیفات امامیه بوده است. اطلاعات موجود درباره احمد بن حسین بسیار اندک است. از خلال نقل حالات راویان در رجال نجاشی و سخن کوتاه شیخ طوسی در مقدمه فهرست، می‌توان اطلاعاتی محدود درباره احمد به دست آورد. آن‌چنان‌که از این متون برداشت می‌شود، وی از هم‌درسان نجاشی و شیخ طوسی در محضر پدر خود بوده است. با توجه به کاربرد واژه «اخترام» درباره وفات احمد بن حسین بن عبیدالله غضائری، احتمالاً وی پیش از چهل سالگی از دنیا رفته است. (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۲)

ابن غضائری مانند پدرش از مشایخ نجاشی نیز بوده است و بر اساس تحقیقات رجال‌شناسان معاصر، مشایخ نجاشی همه از ثقات‌اند. (شوشتری، ۱۳۹۰ق، ص ۱۵۲؛ خوبی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۰۵، ج ۱۰، ص ۲۲) شخصیت علمی ابن غضائری تحت تأثیر پدر شکل می‌گیرد و در علم رجال، سرآمد اقران و در تاریخ تشیع یگانه می‌گردد.

(شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۴۳) پس به طور طبیعی باید یکی از مهم‌ترین مآخذ ابن غضائری در جرح و تعدیل راویان، آراء و اقوال پدرش باشد. (نک: ابن غضائری، ۱۳۸۰ش، ص ۴۳ و ۱۲۵؛ نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۵۹؛ حلی، ۱۳۸۱ق، ص ۳۰۵) رجال‌شناس بزرگ معاصر، محمدتقی شوشتری، صاحب موسوعه رجالی قاموس الرجال، ابن غضائری را مردی نقاد و دانشمندی هوشمند دانسته که توثیقات و تضعیفاتش از درایت وی سرچشمه گرفته است. وی با تتبع در تضعیفات او، در بسیاری از موارد، آن‌ها را مقرون به صحت و حقیقت معرفی می‌کند و سخنان منتقدان را قشری قلمداد می‌نماید. (نک: شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۵، ۶۷، ۴۴۳ و ۶۶۳) چنین نقدهایی ظاهراً ناشی از عدم درک صحیح از مبانی و ملاک‌های ابن غضائری نشئت می‌گیرد. (حسینی جلالی، ۱۳۸۰ش، ص ۲۲) در میان رجال‌شناسان متقدم امامیه، ظاهراً علامه حلی از درک واقع‌بینانه‌تری نسبت به مبانی و ملاک‌های ابن غضائری برخوردار بوده و در موارد متعددی به داوری‌های وی استناد نموده است. (نک: حلی، ۱۳۸۱ق، ص ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۰ و ۳۲۴)

چند پرسش قابل تأمل در زندگی این رجال‌شناس صاحب‌نام وجود دارد که موجب می‌شود حالات وی در هاله‌ای از ابهام قرار گیرد: علت مرگ ابن غضائری در سنین جوانی چه بوده است؟ چرا تاریخ وفات وی نامعلوم است؟ چرا پس از مرگش آثارش علمی وی ناپدید شده است؟ چرا از میان آثارش، فقط کتاب ضعفای ابن غضائری باقی مانده و تنها از طریق وجاده به دست رجال‌شناسان متأخر رسیده است؟ چرا در کتاب نجاشی و شیخ طوسی، شرح حال کامل و روشنی از وی و آثارش وجود ندارد؟

۳. اعتقاد ابن غضائری در خصوص مناقب معنوی امامان علیهم‌السلام

ابن غضائری از دانشمندان بزرگ رجال بوده و با آثار علمای امامیه در عصر خود، کاملاً آشنا بوده است. از آنجا که برخی معتقدند دیدگاه وی درباره مناقب معنوی امامان علیهم‌السلام و حدود غلو، در توثیق و جرح راویان توسط او مؤثر بوده است، بررسی دیدگاه وی در این خصوص حائز اهمیت است. عده‌ای معتقدند که آراء ابن غضائری درباره غلو یا ارتفاع در مذهب، مستند به شهادت و حس نبوده، بلکه مبتنی بر اجتهاد

خاص وی است؛ به این معنی که ابن غضائری متن روایات نقل شده از هر راوی را بررسی می‌کرده است. اگر محتوای روایات را با توجه به مبانی خود مشتمل بر خروج از حد مجاز اعتقادی و ارتفاع در حق ائمه و یا غلو می‌یافته، راوی را منتسب به ضعف و دروغ‌پردازی و جعل حدیث می‌کرده است. (سبحانی، ۱۴۲۱ق، ص ۹۰) البته باید دید غلو خواندن مناقبی چون نصب الهی امامان علیهم‌السلام، علم الهی و غیراکتسابی ایشان، عصمت، وجوب طاعت، کرامات و معجزات و نظایر آن، با اعتقاد ابن غضائری نسبت به منزلت‌های معنوی ائمه علیهم‌السلام تطابق دارد؟ با توجه به آن که ظاهراً مهم‌ترین استاد احمد بن حسین غضائری، پدرش حسین بن عبیدالله غضائری بوده و هیچ تخالفی میان دیدگاه‌های وی با مشایخش از سوی دوستان و شاگردان نزدیکش، یعنی نجاشی و شیخ طوسی، گزارش نشده است، ظاهراً باید دیدگاه‌های وی را نزدیک به دیدگاه پدرش دانست. هیچ شذوذ و مخالفتی درباره اعتقاد شیعی این دو تن، با اعتقادات مشهور امامیه در خصوص مناقب معنوی امامان علیهم‌السلام مانند اعتقاد به نصب الهی، عصمت و علم لدنی امامان علیهم‌السلام از سوی متقدمان و متأخران، گزارش نشده است؛ همچنان که عدم اعتقاد این دو به اوصاف فوق و مخالفتشان با مشهور، در هیچ گزارشی دیده نمی‌شود. در عناوین کتاب‌های غضائری پدر، تا حدودی می‌توان دیدگاه‌های کلی وی را حدس زد. همان گونه که در فهرست تألیفات حسین غضائری مشاهده می‌شود، کتاب‌هایی با موضوع روز غدیر و سلام کردن بر امیرالمؤمنین با عنوان امیر مؤمنان، به روشنی مضمونی شیعی داشته، در راستای اثبات ولایت آن حضرت است. همچنین کتاب عدد الائم که علی‌القاعده باید به تعداد امامان علیهم‌السلام مرتبط باشد، بازهم در سلک کتاب‌های مرسوم شیعی درباره اثبات امامان علیهم‌السلام و به‌ویژه امام غائب علیه‌السلام است. کتاب دیگری از غضائری درباره قول منسوب به امیرالمؤمنین علیه‌السلام است که در آن، حضرت از تفضیل ابوبکر و عمر بر خود سخن گفته‌اند. این روایت بین اهل تسنن مشهور است. (نک: ابن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۶، ۱۱۰ و ۱۱۵) به نظر می‌رسد این کتاب در رد ادعای اهل تسنن بوده است؛ زیرا ابن حجر این کتاب را با عنوانی دیگر، چنین نام برده است: «الکلام علی قول علی خیر هذه الأمة بعد نبیها» (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۲۰)؛ که به معنای رد این روایت و تضعیف آن است. (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۲،

ص (۲۹۷) به این ترتیب به نظر می‌رسد معتقدات حسین غضائری در امر امامت منصوص، باید شبیه به اعتقادات رسمی امامیه در امامت باشد.

روایات فراوانی درباره مقامات و کمالات امامان علیهم‌السلام از سوی راویان و مصنفان پیش از ابن غضائری روایت شده است. در صورت صحت ادعاهای بیان‌شده، آیا نباید ابن غضائری صدها تن از راویان و مصنفان پیش از خود را که روایت‌کننده احادیثی در باب مناقب و فضایل ائمه اهل بیت علیهم‌السلام بوده‌اند، جرح می‌نمود؟ بنابراین چنین به نظر می‌رسد که ابن غضائری و پدرش، انحراف مذهبی را دلیل رد حدیث نمی‌دانند، مشروط به اینکه راوی در نصرت مذهب خود به جعل حدیث نپردازد. در این خصوص، غالبانی که قائل به تفویض یا حلول و اتحاد بوده‌اند و در مقام عمل به شریعت، همه محرمات را مباح قلمداد می‌کردند، از منظر ابن غضائری چون سایر رجال‌شناسان امامی، کاملاً مورد طعن و جرح واقع شده‌اند. (طوسی، ۱۳۴۸ش، ص ۵۸۵ و ۵۸۶؛ نوبختی، ۱۳۸۱ش، ص ۸۲، ۷۴، ۴۴، صفری، ۱۳۷۵ش، ص ۱۲۴، ۱۲۰؛ همو، ۱۳۷۸ش، ص ۱۰۴ و ۱۰۷) ابن غضائری در قبال این گروه، موضع قاطعی دارد چون انحرافی در مذهب با دروغ و ضعف در روایت و حدیث ملازم است (ابن غضائری، ۱۳۸۰ش، ص ۹۶-۹۴) توجه به این موضوع از این جهت مهم است که برخی با برداشت نادرست از «اتهام به غلو و ارتفاع» پنداشته‌اند ابن غضائری، افرادی را متهم به غلو کرده و جرح نموده که به وجود معجزات و منزلتهایی رفیع برای امامان علیهم‌السلام معتقد بوده‌اند (شوشتری، ۱۳۹۰ق، ص ۹۵ و ۹۶؛ ۱۴۱۰ق، ۱۳۱۰ق، ج ۱۰، ص ۶۷-۶۶) لیکن این تصویری نادرست است؛ چون همواره امامیه از جمله ابن غضائری که از شاگردان مکتب بغداد و از پیشوایان امامیه در عصر خود محسوب می‌گردد، امامان اهل بیت علیهم‌السلام را دارای کرامات و فضایلی منحصر به فرد و دارندگان علم و عصمت می‌دانسته‌اند. (ابن بابویه، بی‌تا، ص ۷۰-۶۸؛ شوشتری، ۱۳۹۰ق، ص ۹۵ و ۹۶؛ مفید، بی‌تا، ص ۹۳-۹۶) وی حتی در مقام دفاع از ائمه اهل بیت علیهم‌السلام و تبری از دشمنان ایشان، برخی از دشمنان آن بزرگواران را معرفی کرده و مورد طعن قرار داده است. (ابن غضائری، ۱۳۸۰ش، ص ۵۱ و ۸۳)

پس بر اساس کتاب *الضعفاء* منسوب به ابن غضائری و گزارش‌های نجاشی و شیخ

الطائفه، نتیجه می‌شود که بسیاری از کمالات و فضایل خاص اهل بیت (علیهم‌السلام) از منظر ابن غضائری غلو قلمداد نمی‌گردیده است.

۴. تألیفات ابن غضائری

شیخ طوسی از دو اثر ابن غضائری با عنوان *فهرست اصول و فهرست مصنفات امامیه* یاد می‌کند. (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۲) وی اثر دیگری نیز با عنوان *تاریخ* داشته که موضوع آن تاریخ وفات رجال بوده است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۷۷) آثار مهم دیگر او کتاب *الضعفاء و المذمومین و کتاب الثقات و الممدوحین* است. (حلی، ۱۳۸۱ق، ص ۴۰۴؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۹۱ق، ج ۲۰، ص ۱۵)

باید اذعان نمود که شرح حال مبسوط و دقیقی از احمد بن حسین و کتاب‌هایش در دست نیست و متأسفانه *فهرست اصول و مصنفات امامیه* پس از مرگ ناگهانی ابن غضائری، با سهل‌انگاری برخی از وارثان وی، از بین رفت. (حلی، ۱۳۸۱ق، ص ۴۰۴) و هیچ‌یک از شاگردانش موفق به نسخه‌برداری از آن دو کتاب نشدند. (همان‌جا)

ممکن است این مشکل برای کل آثار وی رخ داده باشد. بنابراین چنین نتیجه می‌شود که آثار ابن غضائری در بین امامیه معاصر وی، امکان رواج نیافت. اثری که در حال حاضر از احمد بن حسین بن غضائری بر جای مانده، کتاب *الضعفاء* است که در انتساب این کتاب به او تردید جدی وجود دارد.

۵. نیم‌نگاهی به رجال ابن غضائری

بی‌تردید یکی از کتب هشت‌گانه مهم رجالی امامیه، *رجال ابن غضائری* است. وی در این کتاب به معرفی راویانی که ضعیف می‌انگاشته پرداخته است. به دلیل تضعیف برخی از راویان مشهور به وثاقت امامیه در این کتاب، برخی از رجال‌شناسان در اعتبار آرای ابن غضائری تردید نموده‌اند. در انتساب این کتاب نیز به ابن غضائری تردیدهایی جدی مطرح شده است. صاحب *الدریعه* انتساب این کتاب به ابن غضائری را مردود دانسته است. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۲۸۵) وی معتقد است این کتاب از منقولات کتاب *نجاشی و طوسی* از ابن غضائری و افزایش مطالبی نادرست جعل شده و به ابن غضائری نسبت داده شده است. (همان‌جا) آیت‌الله خویی نیز کتاب را موضوع و غیرقابل انتساب به ابن غضائری می‌داند. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰، ص ۱۰۲) در مقابل،

برخی از رجال شناسان محقق چون صاحب قاموس الرجال، علاوه بر صحت انتساب کتاب، از اعتبار داوری‌های ابن غضائری در آن بحث کرده‌اند. (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۵ و ۶۷)

۶. کتاب الثقات و الممدوحین ابن غضائری

کتاب دیگری که در منابع رجالی برای ابن غضائری شده، کتاب الثقات و الممدوحین است. از نام کتاب چنین برمی‌آید که حاوی شرح حال رجالی است که ابن غضائری ایشان را مورد وثوق یا ستایش می‌داند. چون این کتاب در حال حاضر موجود نیست، درباره اصل وجود آن باید تحقیق شود.

از گزارش‌هایی که درباره آثار ابن غضائری وجود دارد، چنین استفاده می‌شود که وی علاوه بر کتابی که در حال حاضر از وی بر جا مانده و در باب معرفی رجال ضعیف و مطعون است، کتاب دیگری نیز در باب رجال ثقه و ممدوح نگاشته است. (سبحانی، ۱۴۲۱ق، ص ۸۷)

شایان توجه است که در میان رجال شناسان متقدم امامی، تنها ابن غضائری کتاب مستقلی با عنوان الثقات و الممدوحین تألیف کرده است. شواهدی دلالت بر آن دارد که کتاب الثقات و الممدوحین ابن غضائری در اختیار ابن داود حلی و علامه حلی قرار داشته است و از آن بهره برده‌اند. این کتاب در حال حاضر موجود نیست، اما از منقولات رجال شناسان پس از وی از این کتاب، می‌توان اطلاعاتی را از این کتاب باز یافت.

۷. راویان ممدوح از منظر ابن غضائری

با تتبع در رجال ابن غضائری و سایر منقولات از وی، پنج تن مورد توثیق و مدح او قرار گرفته‌اند. با توجه به مبنای ابن غضائری در جرح و تعدیل رجال، می‌توان از روایات این افراد، دیدگاه‌های وی را در خصوص مفهوم غلو و ملاک غالی بودن راوی از منظر وی احراز کرد. از این رهگذر می‌توان به ملاک‌های وی در امر توثیق و مدح، که از اهداف این مقاله است، نزدیک شد.

۱-۷. محمد بن أورمه

ابن غضائری، وی را از غلو مبرا دانسته، به صراحت بیان می‌دارد که چیزی که انسان را

نسبت به وی دچار اضطراب نماید، وجود ندارد. جز چند ورقی در تفسیر باطنی قرآن که ظاهراً از او نیست. (ابن غضائری، ۱۳۸۰ش، ص ۹۳)

مضمون برخی روایات وی در کتب روایی امامیه از این قرار است:

الف. زمین هرگز از حجت الهی خالی نبوده و نخواهد بود. امامان علیهم السلام وارثان علم پیامبرند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۱۳۴ و ۱۳۵)

ب. زیارت کننده مرقد مطهر سیدالشهدا علیه السلام مشمول شفاعت رسول خدا می گردد و از گناهانش سؤال نخواهد شد. (همان، ج ۱، ص ۱۵۳)

ج. خداوند متعال فرشته‌ای آفریده که هنگام هر نماز، به یگانگی خدا، افضلیت رسول خدا صلی الله علیه و آله بر انبیا و برتری وصی او بر اوصیا شهادت می دهد. (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۲۸۱ و ۲۸۲)

د. برای زیارت کننده قبر مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام پاداشی و آمرزش گناهی است و آتش بر زیارت کننده آن حضرت حرام می گردد. (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۱۳۳ و ۱۳۴)

ه. امامان علیهم السلام حجت خدا و گواهان حق تعالی بر روی زمین اند. (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۴، ص ۵۷۷)

شایان ذکر است که ابن غضائری برخلاف سایر رجال شناسان امامی هم عصر خود که محمد بن اورمه را تضعیف کرده اند، او را توثیق می نماید. شیخ طوسی محمد بن اورمه را جرح کرده (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۴۸)، روایات او را حاوی مضامین غلوآمیز می داند. وی از شیخ صدوق نقل کرده که محمد بن اورمه متهم به غلو است و به متفردات روایی او نمی توان اعتماد کرد. (همو، ۱۴۱۷ق، ص ۲۲۰) نجاشی نیز تمایلی از خود نسبت به تبرئه محمد بن اورمه نشان نمی دهد و تنها آراء رجال شناسان را در خصوص اتهام یا براءت وی از غلو نقل می کند. وی نسبت به کتاب های محمد بن اورمه این گونه اظهار نظر می کند: «کتاب های وی حاوی اخبار صحیح است، به جز کتاب تفسیر باطن که به وی منسوب است و روایاتش به صحیح و ناصحیح آمیخته است.» (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۲۹)

روایات محمد بن اورمه که مورد تأیید ابن غضائری است، حاوی مناقب و فضایل

والای الهی امامان اهل بیت علیهم السلام است.

۲-۷. امد بن حسین بن سعید

او فرزند حسین بن سعید است. پدرش صاحب سی کتاب معتبر و مشهور نزد متقدمان امامیه بوده است. (نک: نجاشی، ۴۱۶ق، ص ۵۸) احمد از جانب محدثان مکتب حدیثی قم جرح و متهم به غلو شده است. (طوسی، ۴۱۵ق، ص ۵۵) در عین حال، ابن غضائری اظهار می‌دارد در روایاتی که از او دیده، نشانه‌ای از غلو نیافته است. این در حالی است که ابن غضائری به متهم شدن احمد بن حسین بن سعید از سوی محدثان قم اذعان می‌نماید. (ابن غضائری، ۱۳۸۰ش، ص ۴۰)

در منابع حدیثی که از سوی پدر ابن غضائری روایت شده و از سوی پدر به دست فرزند رسیده، روایاتی از احمد بن الحسین با چنین مضامینی به چشم می‌خورد:

الف. امیر مؤمنان علیه السلام از علم أنساب، منایا، بلایا و فصل الخطاب آگاه است. (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۴۱۴ و ۴۱۵)

ب. امیر مؤمنان علیه السلام به اذن پروردگار به ملکوت آسمان‌ها و زمین نظر افکنده و از حوادث گذشته و آینده آگاه است. (همان‌جا)

ج. همه اشیا و حیوانات مطیع اصحاب قائم علیهم السلام هستند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ص ۱۳۱)

د. آگاهی امامان علیهم السلام از ایمان یا نفاق مردمان آگاه‌اند. (صفار، ۴۰۴ق، ص ۲۸۸)

ه. امامان علیهم السلام قادرند در بینایی انسان‌ها تصرف کنند. (مفید، ۴۱۳ق، ص ۳۲۳)

و. امام علی علیه السلام قسمت‌کننده بهشت و دوزخ است. (صفار، ۴۰۴ق، ص ۴۱۵)

ز. اعمال هرکس هنگام مرگ، بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام عرضه می‌شود. (همان، ص ۴۲۸)

ح. امامان علیهم السلام صداها را در رحم مادر می‌شنوند. (همان‌جا)

ط. خداوند متعال در تربت سیدالشهدا علیهم السلام برای همه بیماری‌ها شفا قرار داده است.

(ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۲۷۵)

از آنجا که ابن غضائری روایات احمد بن حسین بن سعید را عاری از مضامین غلوآمیز قلمداد کرده است، نتیجه می‌شود که مضامین فوق از منظر وی غلوآمیز نیست. روایت ذیل را شیخ صدوق به واسطه پدرش از سعد بن عبدالله اشعری از احمد بن

حسین بن سعید روایت کرده و حاوی مناقب والایی است که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید خداوند متعال به آن حضرت عطا فرموده است. این روایت می تواند نمونه جالبی از روایات در فضایل معنوی و الهی امامان (علیهم السلام) باشد که مورد تأیید ابن غضائری واقع شده است.

«وَاللَّهِ لَقَدْ أَعْطَانِي اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تِسْعَةَ أَشْيَاءَ لَمْ يُعْطَهَا أَحَدًا قَبْلِي خَلَا النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) لَقَدْ فَتَحَتْ لِي السُّبُلُ وَعَلَّمْتُ الْأَنْسَابَ وَأَجْرَى لِي السَّحَابَ وَعَلَّمْتُ الْأَمْنَايَا وَالْبَلَايَا وَفَصَلَ الْخِطَابَ وَ لَقَدْ نَظَرْتُ فِي الْمَلَكَوَاتِ بِإِذْنِ رَبِّي فَمَا غَابَ عَنِّي مَا كَانَ قَبْلِي وَمَا يَأْتِي بَعْدِي وَإِنْ بَوَّلَايَتِي أَكْمَلَ اللَّهُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ دِينَهُمْ وَأَتَمَّ عَلَيْهِمُ النَّعْمَ وَرَضِيَ إِسْلَامَهُمْ إِذْ يَقُولُ يَوْمَ الْوَلَايَةِ لِمُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) يَا مُحَمَّدُ أَخْبَرَهُمْ أَنِّي أَكْمَلْتُ لَهُمُ الْيَوْمَ دِينَهُمْ وَرَضِيَتْ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْهِمْ نِعْمَتِي كُلُّ ذَلِكَ مِنْ مَنْ أَلَّهِ عَلَى فَلَهُ الْحَمْدُ» (ابن بابویه، بابویه، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۴۱۴ و ۴۱۵)

۳-۷. احمد بن محمد بن خالد برقی

ابن غضائری ابتدا طعن قمی ها را نسبت به وی گزارش می نماید و تصریح می کند که این طعن درباره شخص او نیست، بلکه تنها مربوط به مشایخ اوست. ابن غضائری سپس احمد بن محمد بن خالد برقی را از این حیث که در روایت از راویان ضعیف حدیث بی مبالات و کم دقت بوده است، مورد نکوهش قرار می دهد. (ابن غضائری، ۱۳۸۰ش، ص ۳۹) در اینکه از منظر ابن غضائری، شخص احمد بن محمد بن خالد برقی عاری از طعن است و نکوهشی که از وی به عمل آمده به هیچ وجه ارتباطی به مسئله غلو ندارد، تردیدی نیست. از احمد بن محمد بن خالد برقی احادیثی که در مراتب معنوی والای امامان معصوم (علیهم السلام) مانند علم غیب و علم لدنی صراحت دارد، نقل شده است. (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۱۸۰ در باب لزوم وجود امام؛ ج ۱، ص ۱۸۱ و ۱۸۲ در باب شرک بودن روی برگرداندن از اهل بیت (علیهم السلام)؛ ج ۱ ص ۳۹۰ در باب خلقت ویژه اهل بیت (علیهم السلام)؛ ج ۱، ص ۵۲۵-۵۲۷ نص بر دوازده امام (علیهم السلام)؛ و ج ۴، ص ۵۴۸ در باب ریزش گناهان فرد زائر)

۴-۷. صفوانی

محمد بن احمد بن عبدالله معروف به «صفوانی»، از سوی نجاشی با عباراتی چون شیخ

الطائفه، ثقه، فقیه و فاضل توثیق شده است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۹۳) وی در موضوع اثبات امامت منصوص و بلا فصل امیرالمؤمنین علیه السلام با قاضی موصل مباحله‌ای داشته که به طور شگفت‌انگیزی منجر به مرگ قاضی می‌شود. (همان‌جا) ابن داود از ابن غضائری درباره‌ی او این عبارت را نقل می‌کند: «هیچ‌یک از روایات او را انکار نمی‌کنم مگر روایاتی را که از پدرش از جدش از امام صادق علیه السلام روایت کرده است.» وی سپس پدر صفوانی را متهم به روایات منکر می‌نماید. (ابن داود، ۱۳۴۲ق، ص ۴۹۷) لذا شخص صفوانی از منظر ابن غضائری، عاری از موجبات جرح است و روایاتِ شخص او مورد انکار وی واقع نشده است.

شیخ طوسی به واسطه‌ی حسین بن عبیدالله غضائری و شیخ مفید از صفوانی روایاتی را در باب معجزات حضرت ولی عصر علیه السلام و اخبار غیبی که به واسطه‌ی وکلای خاص آن حضرت روایت شده، نقل کرده است. (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۱۰-۳۱۷)

۵-۷. علی بن حسان واسطی

ابن غضائری، وی را با تعبیر «ثقة ثقة» توثیق کرده است. (ابن غضائری، ۱۳۸۰ش، ص ۷۷) با تتبع در منابع حدیثی پیش از ابن غضائری، روایات متعددی از علی بن حسان واسطی به دست می‌آید که مضامین برخی از آن‌ها از این قرار است:

الف. امامان علیهم السلام از علم منایا (زمان مرگ انسان‌ها) و بلا یا (حوادث آینده) برخوردارند. (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۱۹۷ و ۱۹۸؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۱۹۹ و ۲۰۰)

ب. جنیان در محضر امامان علیهم السلام حاضر می‌شوند. (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۳۹۴)
ج. جسم اهل بیت علیهم السلام از علّیین و روح ایشان از سرشتی برتر و روح شیعیان از علّیین و جسم ایشان از سرشتی پایین‌تر است. (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۹؛ کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۳۸۹)

د. امامان علیهم السلام از مکنونات قلبی انسان‌ها آگاه‌اند. (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۴۰)
ه. ملائکه با امامان علیهم السلام سخن می‌گویند لذا ایشان محدث‌اند. (همو، ص ۳۲۰)
و. عبارت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللَّهِ عَلَيَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَيْدُتُهُ بِهِ» بر روی همه‌ی ستون‌های آسمان نوشته شده است. (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۳۳۲)

ز. امامان علیهم السلام از علم موهوب برخوردارند. (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۳۱۶)

از علی بن حسان واسطی در باب نماز روز عید غدیر خم روایت مبسوطی نقل شده است. اگرچه محمد بن موسی همدانی، روایت‌کننده این حدیث از علی بن حسان، از سوی ابن ولید به شدت جرح گردیده (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ج ۲، ص ۹۰)، ابن غضائری از وی در برابر تهمت جعل دفاع می‌کند (ابن غضائری، ۱۳۸۰ش، ص ۶۲، ۹۴ و ۹۵)

امیرالمؤمنین علیه السلام در این حدیث به چنین اوصافی متصف شده است: لسان گویای الهی در میان خلایق، صراط مستقیم، مخزن علم خداوندی، جایگاه سرّ الهی، کسی که در عالم میثاق از همه خلایق بر ولایتش میثاق گرفته شده است. حجت بالغه الهی، نبأ عظیم که مورد اختلاف واقع شده است.

بسیاری از روایاتی که حاوی چنین اوصافی برای امامان علیهم السلام است، به واسطه روایان ثقه از علی بن حسان نقل شده است (صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۱۹۹ و ۲۰۰؛ کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۱۹۷ و ۱۹۸) که هیچ‌یک از ایشان از سوی ابن غضائری مورد جرح واقع نشده‌اند.

۸. ابن غضائری و تمایل وی به توثیق روایان

بیان این مطالب که هیچ‌کس از جرح ابن غضائری در امان نمانده، یا جراح و طعان بودن او، نسبت‌های ناروایی است که فقط از سوی کسانی ابراز می‌گردد که از درک صحیح روش او در کتابش و اهداف مؤلف بزرگ آن و وسعت دانش وی در علم رجال ناتوان‌اند. (حسینی جلالی، ۱۳۸۰ش، ص ۲۲) چنین اظهاراتی، سخنانی کم‌عمق است؛ زیرا ابن غضائری در دقت علمی بی‌نظیر بوده است. (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۵) او با احکام رجالی صادر از سوی محدثان مکتب قم که برخی روایان را غالی و فاسد المذهب خوانده‌اند مخالفت می‌نماید (همان، ج ۱، ص ۳۰) زیرا وی به مکتب حدیثی قم تعلق ندارد، بلکه متعلق به مکتب بغداد است که در برخی مباحث حدیثی و رجالی، با مکتب حدیثی قم اختلاف مبنایی دارد. مؤید این ادعا آن است که ابن داود در بخش نخست کتاب رجالش که اختصاص به رجال ممدوح دارد، از ۳۴ راوی که نجاشی ایشان را با عبارت «ثقه ثقه» توثیق کرده، نام برده است و اظهار داشته که ابن غضائری در کتاب *الثقات و الممدوحین* خود، نام پنج راوی را بر این مجموعه افزوده

است. (ابن داود، ۱۳۴۲ق، ص ۲۰۸ و ۲۰۹) در رجال ابن غضائری نمونه‌های متنوعی از روش او در زمینه توثیقات وجود دارد که به برخی اشاره می‌شود.

۱. محدثان مکتب قم، احمد بن محمد بن خالد برقی را مورد طعن قرار داده‌اند، لیکن ابن غضائری شخص برقی را از موجبات طعن تبرئه می‌کند، اشکال وی را تنها مربوط به کسانی می‌داند که برقی از ایشان به نقل روایت مبادرت ورزیده است. ناگفته نماند که ابن غضائری روش احمد بن محمد بن خالد برقی را که در نقل روایات به روش مورخان کم‌دقت و اهل تساهل و تسامح عمل نموده، مورد انتقاد قرار می‌دهد. (ابن غضائری، ۱۳۸۰ش، ص ۳۹) در این خصوص، نجاشی (۱۴۱۶ق، ص ۷۶) و شیخ طوسی (۱۴۱۷ق، ص ۶۲) با ابن غضائری هم عقیده‌اند. لذا اینکه روش ابن غضائری در جرح و تعدیل مشابه روش محدثان مکتب قم است، ناصواب است بلکه نشئت گرفته از مبانی خاص رجال او بوده است. (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۳۲۸-۳۳۲) شاهد گویای این ادعا آن است که چنان‌که گذشت، در میان رجالی که از سوی ابن غضائری توثیق شده‌اند، رجالی وجود دارد که از سوی همه محدثان مکتب قم جرح گردیده‌اند. (ابن غضائری، ۱۳۸۰ش، ص ۴۱؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۰۱-۱۰۳) علت این اختلاف را ظاهراً در این امر باید جست‌وجو کرد که ابن غضائری افزون بر توجه به گزارش‌های رجالی، با مطالعه دقیق آثار و احادیث ایشان، به اعتبار کتب و صحت احادیثشان پی برده است. (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۸)

۲. محدثان مکتب قم، ابو جعفر احمد بن حسین بن سعید را به غلو متهم کرده‌اند. (ابن غضائری، ۱۳۸۰ش، ص ۴۱؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۶۵؛ نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۷۷) ابن غضائری به گزارش محدثان مکتب قم درباره وی بسنده نمی‌کند، بلکه در منقولات و تألیفات وی را به دقت بررسی می‌نماید. پس از آنکه نسبت به سلامت روایات و آثار او از انحرافات و جعلیات غلات اطمینان حاصل می‌کند، نتیجه تحقیقاتش را این‌گونه اعلام می‌نماید: «تا آنجا که من احادیثش را از نظر گذرانده‌ام، حدیثش سالم است.» (ابن غضائری، ۱۳۸۰ش، ص ۴۱؛ حلی، ۱۳۸۱ق، ص ۳۲۰) این‌گونه ابن غضائری احمد بن سعید را از اتهام غلو تبرئه می‌نماید. اگرچه طبق برخی تفاسیر از سخن ابن غضائری، این سخن فقط ناظر به تأیید سلامت حدیث احمد بن سعید است و ارتباط مستقیمی

- به تبرئه وی از اتهام غلو ندارد. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۰۳)
- آنچه را در این بحث گذشت، بدین گونه می توان خلاصه کرد:
۱. ابن غضائری تعدادی از راویان را در رجالش توثیق کرده است. خارج از کتاب نیز توثیقاتی از او نقل شده است. (نک: ابن داود، ۱۳۴۲ق، ص ۲۰۸ و ۲۰۹)
 ۲. در برابر برخی از جرح ها، مانند جرح های سختگیرانه محدثان مکتب حدیثی قم، مخالفت کرده است و رجال تضعیف شده از سوی ایشان را توثیق نموده است.
 ۳. برخی از راویان را که مشهور رجال شناسان امامی جرح نموده اند، تنها او توثیق کرده است.
 ۴. در توثیق برخی از رجال، بر اساس اصالت برائت راوی از موجبات طعن، ایشان را توثیق نموده است.
 ۵. گروهی از راویان مشهور به ضعف که بیشتر رجال شناسان متقدم امامی مبادرت به تضعیفشان نموده اند، در رجال ابن غضائری عنوان نشده اند. (نک: شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۵ و ۶۷)

۹. ملاک های ابن غضائری در تبرئه راویان متهم به غلو

چنان که گذشت، محمد بن اورمه قمی از سوی محدثان مکتب قم به غلو متهم گردید. ابن غضائری به منظور کشف صحت چنین اتهامی، ابتدا احادیث وی را مورد بررسی قرار می دهد و نوع احادیثی را که از سوی وی روایت شده، معتبر ارزیابی می کند. سپس به بررسی اوراقی از تفسیر باطنی که در میان آثار منتسب به وی می یابد می پردازد و در ارزیابی این اثر به این نتیجه می رسد که این تفسیر با نوع روایات و معتقدات او سازگار نیست و لذا چنین اظهار می دارد که این انتساب به وی ناصواب است. در این داوری، نامه امام هادی علیه السلام به محدثان قم مبنی بر تبرئه محمد بن اورمه از اتهاماتی که به وی زده اند، از تأثیر بسزایی برخوردار است. (ابن غضائری، ۱۳۸۰ش، ص ۹۳) در سیر تحقیق ابن غضائری درباره محمد بن اورمه، دیدار وی با حسن بن بندار قمی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. حسن بن بندار به او می گوید از مشایخش چنین شنیده است که وقتی محمد بن اورمه متهم به غلو گردید، عده ای از قمی ها تصمیم گرفتند وی را به قتل برسانند، لیکن مشاهده کردند که وی چند شب متوالی را

از آغاز تا پایان در حال نماز و عبادت است. ایشان که می‌دانستند غالیان اهل اباحی‌گری و ترک عبادات‌اند، دریافتند که دربارهٔ محمد بن اورمه دچار اشتباه شده‌اند و از کشتن وی منصرف گردیدند. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۲۹؛ ابن غضائری، ص ۹۴؛ شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۷-۶۶)

چنان‌که مشاهده می‌شود، ابن غضائری به‌منظور رفع اتهام از محمد بن اورمه و توثیق وی از ملاک‌های دقت در احادیث راوی، تتبع در احادیث معصوم علیه السلام در خصوص جرح و تعدیل راوی و استناد به گزارش‌های ثقات دربارهٔ راوی، بهره برده است. وجود چنین ملاک‌هایی در توثیقات ابن غضائری حاکی از آن است که وی تلاشی وافر در جهت کشف حقیقت حال راویان داشته و تا حدی به تمایل وی در اتهام‌زدایی از ساحت راویان اشعار دارد.

حسین بن قاسم و عمر ابن ابی المقدم نیز از سوی برخی رجال‌شناسان جرح شده‌اند لیکن ابن غضائری هر دو را توثیق نموده است. (همان، ص ۱۱۰ و ۱۱۱)

دو اصل حدیثی به زید زراد و زید نرسی از راویان امام صادق علیه السلام (ابن غضائری، ۱۳۸۰ش، ص ۶۱؛ طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۰۶) منسوب است. شیخ صدوق به پیروی از استاد خود ابن ولید، هر دو کتاب را ساختگی دانسته و واضح آن‌ها را محمد بن موسی السمان دانسته است. (ابن غضائری، ۱۳۸۰ق، ص ۶۲؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۳۰) شیخ طوسی تنها این تضعیف را نقل کرده و خود در این خصوص اظهار نظر نکرده است، لیکن ابن غضائری که از شیخ صدوق و شیخ طوسی در علم رجال دقیق‌تر و مطلع‌تر بوده (شوشتری، ۱۳۹۰ق، ص ۹۶) به‌طور صریح شیخ صدوق را تخطئه می‌کند و اعلام می‌دارد که خود کتاب‌های دو زید (زید نرسی و زید زراد) را رؤیت کرده است. (ابن غضائری، ۱۳۸۰ش، ص ۶۲) نجاشی و شیخ طوسی با تصریح به روایت کتاب زید نرسی از سوی ابن ابی عمی (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۳۰) و بیان اسانید خود به کتب آنان (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۷۴ و ۱۷۵) صحت دیدگاه ابن غضائری را تأیید کرده‌اند. لذا چنین می‌نماید که نسبت کتاب‌ها به زید زراد و زید نرسی درست است و سخن ابن غضائری این انتساب را تأیید می‌نماید. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۳۸۳ و ۳۷۹) به‌رغم آنکه ابن غضائری با شیخ صدوق معاصر است و از او حدیث فرا گرفته

است (خواجهوبی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۸۴) به نقد دیدگاه استادش مبادرت می‌ورزد. این امر حاکی از نوعی استقلال نظر و پیروی از مبانی و ملاک‌های خاص در جرح و تعدیل است که با انتساب ابن غضائری به تمایل به تضعیف در تعارض است.

ابن غضائری گاه به مناسبت، به توثیق راویان مبادرت می‌ورزد؛ مثلاً پس از جرح عبدالرحمن بن سالم به مناسبت ذکر نام سالم وی را توثیق می‌نماید و او را از روایت‌کنندگان از امام باقر و امام صادق علیهما السلام معرفی می‌کند. (ابن غضائری، ۱۳۸۰ش، ص ۷۴) همچنین پس از تضعیف «علی بن حسان بن کثیر هاشمی» راوی هم‌نام و مشترک با او یعنی «علی بن حسان واسطی» را عنوان می‌کند و با توثیق اکید «ثقه، ثقه»، به وثاقت کامل وی اذعان می‌نماید. (ابن غضائری، ۱۳۸۰ش، ص ۷۷) شایان ذکر است که در اسانید احادیث امامیه، دو راوی به نام علی بن حسان مطرح است. علی بن حسان هاشمی که به شدت جرح شده و علی بن حسان واسطی که توثیق گردیده است. (نک: خوبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۳۱۱-۳۱۳)

از آنچه گذشت، می‌توان ملاک‌های ابن غضائری را در داوری‌های رجالی خود این‌گونه تحلیل کرد:

۱. برای کشف صحت گزارش‌های رجال‌شناسان درباره‌ی راوی، به کتاب‌ها و روایات وی رجوع می‌نماید.
۲. برای کشف اعتقادات راوی، احادیثی را که از سوی وی روایت گردیده، بررسی می‌کند.
۳. تلاش دارد تا در داوری خود هر قرینه‌ای ولو به‌ظاهر کوچک و فاقد اهمیت را مورد توجه قرار دهد.

کاربرد تعابیری خاص در جهت کاهش از شدت ضعف راوی

ابن غضائری گاه درباره‌ی برخی راویان عباراتی به کار می‌برد که با دقت در این عبارات چنین نتیجه می‌شود که از شدت جرح راوی کاسته شده است؛ مثلاً عبارت «و یجوز ان یخرَج حدیثه شاهداً» که در موارد متعددی به کار رفته است (نک: ابن غضائری، ۱۳۸۰ش، ص ۸۶، ۹۵، ۹۶ و ۱۱۶) حاکی از بسامد درخور تأمل این تعبیر از سوی ابن غضائری است. چنین رویکردی می‌تواند مؤید چنین فرضی باشد که ابن غضائری

نسبت به کاهش شدت جرح از روایان مجروح تمایل داشته است. عبارت «لکن حدیثه یجییء فی حدیث اصحابنا» درباره ابن عقده به‌رغم ضعف مذهبش، دلالت بر اعتماد امامیه به روایات او دارد. (همان، ص ۱۱۱؛ طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۰۹؛ همو، ۱۴۱۷ق، ص ۷۳؛ نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۹۴؛ جلالی، ۱۳۸۰ش، ص ۱۸۵-۱۸۷)

نتیجه‌گیری

۱. ابن غضائری از نقادان خبره و مورد وثوق در علم رجال بوده است.
۲. ابن غضائری به‌عنوان یکی از اندیشمندان متقدم امامیه، اعتقاد به باورهای مشهور شیعه نسبت به اوصاف امامان (علیهم‌السلام) و مناقب معنوی آن بزرگواران داشته است. لذا این مبنا که اگر وی در روایات راوی مناقب فوق‌العاده‌ای را مشاهده می‌نمود، وی را متهم به غلو می‌کرد و به جرحش مبادرت می‌نمود، از وجاهت علمی کافی برخوردار نیست.
۳. وی با در نظر گرفتن همه قرائن درباره راوی، از جمله دقت در نوع احادیث وی و گزارش‌های رجالی درباره او نسبت به راوی اظهار نظر می‌کرده است و از جرح شتابزده و بی‌رویه، برخلاف آنچه درباره او گفته شده، به دور است.
۴. اگرچه سوگمندانه کتاب رجالی ابن غضائری با عنوان *الثقات و المجروحین* در حال حاضر در دست نیست، لیکن از اسناد و مدارک موجود می‌توان به وجود این کتاب در میان تألیفات ابن غضائری اطمینان حاصل کرد.
۵. وی نه تنها گرایش بیشینه‌ای به جرح رجال نداشته، بلکه با تألیف کتاب *الثقات و الممدوحین* و توثیق رجال مشهور به ضعف و رجالی که تنها از سوی وی توثیق گردیده‌اند، انصاف علمی خود را در توثیق رجال ثقه ابراز داشته است.
۶. درباره روایان متهم به غلو با در نظر گرفتن مبانی و ملاک‌های رجالی خود که در مقاله مورد بررسی قرار گرفت، اتهام واردشده را مورد واکاوی قرار داده، در موارد معتناهی به رد اتهام و توثیق رجل مبادرت می‌ورزید.
۷. ابن غضائری با کاربرد تعبیری خاص افزون بر ارائه اطلاعاتی دقیق درباره راوی، تمایل خود را نسبت به کاهش شدت جرح ابراز نموده است.

منابع

۱. آقابزرگ طهرانی، محمد محسن، الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۳، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۳ق.
۲. _____، طبقات اعلام الشیعه، تحقیق علی نقی منزوی، ج ۱، لبنان: بی نا، ۱۳۹۱/۱۳۹۱م.
۳. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، التوحید، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
۴. _____، الخصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۵. _____، الاعتقادات فی مذهب الامامیه، قم: دار المفید، بی تا.
۶. _____، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۷. ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۸. ابن حنبل، احمد، مسند، بیروت: دار صادر، بی تا.
۹. ابن داود، حسن بن علی، الرجال، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ق.
۱۰. ابن غضائری، احمد بن حسین الواسطی البغدادی، الرجال، تحقیق محمدرضا حسینی جلالی، ج ۱، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۰ش.
۱۱. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف: دار المرتضویه، ۱۳۵۶ق.
۱۲. انصاری، مرتضی، الطهارة، قم: بی نا، بی تا.
۱۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق.
۱۴. حسینی جلالی، محمدرضا، مقدمه بر رجال ابن الغضائری، ج ۱، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۰ش.
۱۵. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، خلاصة الأقوال، ج ۲، نجف: بی نا، ۱۳۸۱ق.
۱۶. خواجویی، محمد اسماعیل، الفوائد الرجالیه، تحقیق مهدی رجایی، مشهد: بی نا، ۱۴۱۳ق.
۱۷. خوبی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم: بی نا، ۱۴۱۳ق.
۱۸. سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، ج ۴، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۲۱ق.
۱۹. شوشتری، محمد تقی، الأخبار الدخیله، تعلیقات علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۹۰ق.
۲۰. _____، قاموس الرجال، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۱. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، تهران: مکتبه الاعلمی، ۱۴۰۴ق.
۲۲. صفری فروشانی، نعمت الله، «جریان شناسی غلو»، علوم حدیث، شماره ۱ و ۲، قم، پاییز و زمستان ۱۳۷۵ش.
۲۳. _____، غالیان (کاوشی در جریانها و برآیندها)، ج ۱، مشهد: بی نا، ۱۳۷۸ش.
۲۴. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال (معروف به رجال کشی)، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۴۸ش.
۲۵. _____، الرجال، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
۲۶. _____، الفهرست، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه النشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.

۲۷. _____، الغیبة، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۲۸. قمی، میرزا ابوالقاسم، جامع الشتات، تحقیق مرتضی رضوی، چ ۱، تهران: بی نا، ۱۴۱۳ق.
۲۹. کلباسی اصفهانی، ابوالهدی، سماء المقال فی تحقیق الرجال، قم: بی نا، ۱۳۷۲ق.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، چ ۳، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ق.
۳۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص (منسوب به شیخ مفید)، قم: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۳۲. _____، تصحیح الاعتقادات، تحقیق عصام عبدالسید، بی جا: بی نا، بی تا.
۳۳. میرداماد، محمداقصر حسینی مرعشی، الرواشح السماویة فی شرح الأحادیث الامامیه، قم: کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی، ۱۴۰۵ق.
۳۴. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال النجاشی، تحقیق موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۳۵. نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، ترجمه و تعلیقات محمد جواد مشکور، چ ۲، تهران: بی نا، ۱۳۸۱ش.